

— حمید عطائی نظری  
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

# نگرشی بر نگارش های کلامی (۹): مسائل المُرْتَضِی و مشکلات آن

۱۱۶-۱۰۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۹):

مسائل المرتضی و مشکلات آن

حمید عطائی نظری

**چکیده:** مسائل المرتضی مجموعه‌ای است از رسائل و مسائل پراکنده دانشمند بزرگ شیعی، شریف مرتضی، در زمینه‌های فقه و اصول و کلام و ادبیات که بردست وفقان خضیر محسن کعبی تصحیح شده و در سال ۱۴۲۲ هـ. ق. در بیروت به چاپ رسیده است. در نوشتار حاضر، پس از اشاره به پاره‌ای از ویژگی‌های نسخه‌ی اساس این تصحیح، نادرستی‌های چندگونه و کاستی‌های چندگانه ویراست کعبی از آن نشان داده شده است. اشکالات پرشمار و گونه‌گون این ویراست، گویای آن است که متن عرضه شده از مسائل و رسائل شریف مرتضی، نا استوار و نامعتمد، و از این رو، فاقد اعتبار لازم برای استناد و ارجاع است.

**کلید واژه:** شریف مرتضی، مسائل المرتضی، تصحیح متن، نسخه شماره ۱۳/۷/عقائد کتابخانه امام امیرالمؤمنین نجف، وفقان خضیر محسن کعبی، کلام.

#### Having a Look at the Theological Writings (9):

#### Masāel al-Murtadhā and its Problems

By: Hamīd Atāie Nazari

**Abstract:** Masāel al-Murtadhā is a collection of the great Shiite scholar Sharīf Murtadhā's treatises and different questions which are about jurisprudence and principles, theology, and literature. This collection is corrected by Wafqān Khadhīr Mohsen al-Ka'bi, and is published in Beirut in 1422 AH. In the present article, after pointing out some of the features of the original version of this book, the author shows different inaccuracies and shortcomings of Ka'bi's correction. The numerous and various problems of this edition indicate that the presented text of Sharīf Murtadhā's Rasāel wa Masāel is unstable and unreliable, and thus lacks the credibility of citation and reference.

**Key words:** Masāel al-Murtadhā, Sharīf Murtadhā, text correction, the version No. 7/13/Aqāed the library of Imam Amīr al-Mu'menīn in Najaf, Wafqān Khadhīr Mohsen al-Ka'bi, theology.

#### تأملات في المدونات الكلامية (۹)

#### مسائل المرتضی و مشکلاتها

حمید عطائی نظری

یتضمن کتاب مسائل المرتضی مجموعه‌ی من الرسائل والمسائل المتفرقة للعالم الشيعي الكبير الشريف المرتضی، وتنوعت اهتماماتها في حقول مختلفة كالفقه والأصول والكلام والأدب، وقد تولى تصحيحها وفقان خضير محسن الكعبی وصدرت مطبوعة في بيروت سنة ۱۴۲۲ هـ .

والمقال الحالي يتدبى بإشارات إلى بعض خصائص النسخة المعتمدة في هذا التصحيح، لينتقل إلى تأشير الأخطاء المختلفة والنواقص العديدة التي يعاني منها تصحيح الكعبی لهذه النسخة.

وما يعاني منه هذا التصحيح من الإشكالات الكثيرة والمتنوعة يفصح عن ضعف وإمكانية الاعتماد على هذا النص المطبوع لمسائل الشريف المرتضی ورسائله، الأمر الذي يجعلها تفتقد إلى الاعتبار اللازم الذي يؤهلها للإسناد والإرجاع إليها.

المفردات الأساسية: الشريف المرتضی، مسائل المرتضی، تصحيح النصوص، النسخة رقم ۱۳/۷/عقائد مكتبة أمير المؤمنين في النجف، وفقان خضير محسن الكعبی، علم الكلام.

# نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۹): مسائل المرتضی و مشکلات آن

— حمید عطائی نظری

## ۱. مقدمه

بخشی از رساله‌ها و نگاشته‌های کوتاه عالم و متکلم نامدار امامی، شریف مرتضی (م ۴۳۶ ه.ق.) و پاسخ‌های وی به پرسش‌هایی که از مناطق مختلف به محضرا و عرضه می‌شده، به صورت مجموعه رسائلی از وی گردآوری و به چاپ رسیده است. در این زمینه، تاکنون دو مجموعه با مشخصات زیر تدوین و تصحیح و منتشر شده است:

الف) مجموعه‌ای چهار جلدی زیر عنوان رسائل الشریف المرتضی که سه مجلد نخست آن (در سال ۱۴۰۵ ه.ق.) به تصحیح آقای سید مهدی رجائی و اشراف جناب سید احمد حسینی اشکوری، و مجلد چهارم (در سال ۱۴۱۰ ه.ق.) با تصحیح آقای سید احمد حسینی اشکوری از سوی نشر دارالقرآن الکریم در قم به طبع رسید. همین ویراست‌ها در سال ۱۴۳۳ در قالب مجلدات ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ از موسوعه الشریف المرتضی توسط مؤسسه تاریخ العربی در بیروت تجدید چاپ شد.

ب) مجموعه‌ای یک جلدی با عنوان مسائل المرتضی به تصحیح و فغان خضیر محسن الکعبی که در سال ۱۴۲۲ ه.ق. / ۲۰۰۱ م. از سوی مؤسسه البلاغ در بیروت به طبع رسیده است.

در نوشتار حاضر، به معرفی و بررسی و نقد همین ویراست و فغان خضیر محسن الکعبی از مجموعه رسائل شریف مرتضی پرداخته می‌شود. به دلیل اهمیت نسخه‌ای که اساس تصحیح کعبی قرار گرفته، شایسته است پیش از بررسی تصحیح یادشده، به برخی از ویژگی‌های آن دست‌نویست اشاره کنیم.

۲. توصیف نسخه اساس تصحیح (نسخه شماره ۱۳/۷/ عقائد کتابخانه امام امیرالمؤمنین نجف) ویراست کعبی از رسائل شریف مرتضی بر بنیاد نسخه‌ای از مجموعه رسائل وی سامان یافته که مشتمل است بر شماری از نگاشته‌های پراکنده وی در زمینه‌های فقه و اصول و کلام و ادبیات. این نگاشته‌ها، که گردآورنده آنها بر ما معلوم نیست، طیف متنوعی از نوشته‌های شریف مرتضی - اعم از مسائل مستقل مختلف مختصر (مثل مسألة في طريق الاستدلال على فروع الإلهامیة)، برخی رسائل کوتاه (مانند رسالة الکلام في الأعراض [همان: تنمة أنواع الأعراض من جمع أبي رشيد النيسابوري])، منتخبی از برخی أجوبة المسائل‌ها (مانند مسائل گزیده‌ای از المسائل الواسطیات و المسائل النیلیات) و نیز تحریری کامل از بعضی رسائل سید (مثل جواب المسائل الطرازیة الثانیة) - را شامل می‌شود. نسخه یادشده متعلق به کتابخانه امام امیرالمؤمنین در نجف اشرف است و هم‌اکنون با شماره ۱۳/۷/ عقائد و رقم پیاپی ۵۷۱ در این کتابخانه نگهداری می‌شود. نسخه ۲۵۷ صفحه (بر اساس شماره صفحات مندرج در بالای صفحات نسخه) دارد و به خط نسخ واضح نوشته شده است. تاریخ کتابت این دست‌نویست دقیقاً روشن نیست؛ اما در پایان آن، گواهی بلاغی آمده که تاریخ ۱۰۹۶ هجری قمری را زمان پایان مقابله نسخه معرفی کرده است: «بلغ قبلاً من نسخة علیها الاعتماد و بها الاعتداد سنة ۱۰۹۶». بر روی صفحه عنوان نسخه، عنوان «مسائل سید مرتضی علیه الرحمة» با خطی غیر از خط متن نوشته شده است. در برگ بعدی، چند گواهی تملک ثبت شده است که سیر تملک نسخه را بازگو می‌کند. نخست، گواهی تملیکی به خط علامه

محمد باقر مجلسی دیده می‌شود: «بسم الله للحقیر محمد باقر بن محمد تقی المجلسی» که شمس‌الدین [هرندی]، در ذیل آن تصریح کرده: «خط مبارک مرحوم مجلسی اعلی الله تعالی مقامه محترم [کذا] است» (نگرید: تصویر شماره ۱). در زیر آن، گواهی تملک دیگری به خط آخوند ملامحمد مهدی هرندی ثبت شده است: «قد تشرف بتملک الفقیه الی الله الغنی ابن رضی الدین محمد الهندی محمد مهدی جمعهم الله تحت لواء الولی». ذیل این گواهی، مکتوب است: «خط شریف مرحوم آخوند ملا محمد مهدی جد بزرگوار است». در پایین صفحه، یک گواهی تملک دیگر مشاهده می‌شود این بار به خط ملاعبده بن حاجی هادی: «قد صار هذا الكتاب مما أعطانی الملك الوهاب وانا عبدالله بن حاجی هادی ره». در ذیل آن، شمس‌الدین هرندی در تاریخ ۱۳۳۳ خاطر نشان کرده که گواهی یادشده: «خط محترم مرحوم حاجی ملا عبدالله مجتهد هرندی جد بزرگوار طاب ثراه است». حاج ملاعبده هرندی همان صاحب کتاب العیون والأخبار فی المعارف والمبدأ والمعاد است که شیخ آقا بزرگ در الذریعه به نسخه‌ای از آن در کتابخانه امیرالمؤمنین اشاره کرده است.<sup>۱</sup>



وفقان خضیر محسن الکعبی کاتب دست‌نوشست مورد بحث را علامه محمد تقی مجلسی معرفی کرده است؛<sup>۲</sup> در حالی که در نسخه هیچ شاهی بر آن دیده نمی‌شود و معلوم نیست کعبی بر چه اساسی چنین ادعایی نموده است.

نخستین رساله در این مجموعه خطی فهرست بصری از آثار شریف مرئضی است (ص ۱-۶). این تحریر از فهرست بصری یکی از قدیم‌ترین نسخه‌های این فهرست به حساب می‌آید. متأسفانه از این نسخه در ویراست‌های قدیم و حتی جدید آن فهرست استفاده نشده است. تفاوت مهمی که این نسخه با نسخه‌های دیگر بازمانده از فهرست بصری دارد آن است که تاریخ اجازة شریف مرئضی به شاگردش محمد بن محمد بصری (م: ۴۴۳ ه.ق) در این دست‌نوشست سال ۴۱۹ (شعبان من سنة تسع عشرة و اربعمائة) نوشته شده است (نگرید: تصویر شماره ۲)؛ در حالی که در سایر نسخ، سال ۴۱۷ ثبت گردیده. این اختلاف، ناشی از تصحیف شایع «سبع» و «تسع» به یکدیگر است.

در دست‌نوشست یادشده، پس از فهرست بصری، رساله «مسألة فی بیان أحكام أهل الآخرة» آمده است (ص ۶-۱۶). مصحح رساله به بهانه چاپ پیشین این رساله در نجف، از درج آن در ویراست خود اجتناب کرده است.

همچنین در نسخه، رونوشتی از رساله «الکلام فی ذبائح اهل الکتاب» به املاء شیخ مفید هم آمده است (ص ۱۷۷-۱۹۰) که مصحح، آن را نیز از ویراست خویش حذف نموده. با این وصف، مصحح، رساله قاضی عبدالجبار معتزلی در باب مجبیه و مشبهه را - که معلوم نیست به چه دلیلی در دست‌نوشست یادشده در میان نگاهشته‌های شریف مرئضی کتابت شده است (ص ۸۵): «مسئلة من کلام قاضي القضاة عبدالجبار بن احمد في أن المجبيرة والمشبهة لا يمكنهم الاستدلال على النبوة» - در ویراست خود درج کرده است (ص ۱۶۲-۱۸۳).<sup>۳</sup>

۱. طهران، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دارالأضواء، الطبعة الثالثة، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۵، ص ۳۸۵. در اینجا ظاهراً به غلط نام نویسنده «الحاج مولی عبدالله الهروی» ذکر شده است.

۲. مسائل المرئضی، ص ۶.

۳. این رساله قاضی عبدالجبار معتزلی پیش از انتشار در مسائل المرئضی، در جلد چهارم رسائل الشریف المرئضی، ص ۲۷۷-۲۹۹ زیر عنوان «مسألة فی معجزات الأنبياء علیهم السلام» نیز به چاپ رسیده بوده است. هانس دایبر هم ظاهراً بدون اطلاع از انتشار این رساله در مسائل المرئضی و رسائل الشریف المرئضی مجدداً به ارائه ویراستی از آن این بار تحت عنوان «مقالة فی الرد علی المجبيرة لقاضي القضاة عبدالجبار بن أحمد» بر اساس نسخه‌ای به خط مرحوم علامه شیخ محمد طاهر السماوی پرداخته است. نگرید به:

Hans Daiber, 'Maqāla fi l-radd 'alā l-Mujbira (MS Najaf) attributed to 'Abd al-Jabbār al-Hamadhāni' In: A Common Rationality:

نخستين رساله در اين مجموعه خطي فهرست بُصروي از آثار شريف مرتضی است (ص ۱-۶). اين تحرير از فهرست بُصروي يکي از قديم ترين نسخه هاي اين فهرست به حساب مي آيد. متأسفانه از اين نسخه در ويراست هاي قديم و حتي جديد آن فهرست استفاده نشده است.

ساير رساله هايي که در نسخه مورد گفت و گو آمده است و در مسائل المرتضی به چاپ رسيده، رساله هايي است که پيش از اين، در مجموعه چهارجلدي رسائل الشريف المرتضی يا آثار ديگر مثل امالي به طبع رسيده بوده. بنابراین مسائل المرتضی حاوی رساله اي تازه و منتشر نشده از شريف مرتضی نيست. از توضيحاتي که داديم اين نکته هم روشن است که مصحح کتاب، در تدوين و انتخاب رساله هاي مندرج در اين مجموعه نقشي نداشته است و تنها بر بنياد نسخه اساس (يعني نسخه کتابخانه امام اميرالمؤمنين نجف) به تصحيح آنها اقدام نموده است. با اين وصف، او در ويراستي که ارائه کرده، در مواردی، ترتيب درج رسائل در نسخه اساس کار تصحيح خود را رعایت نکرده است. مثلاً در نسخه، مسأله مربوط به «أحكام النوافل» در صفحات ۱۲۰ - ۱۲۱ کتابت شده است؛ حال آنکه در ويراست کعبي مقدم گرديده، در صفحات ۶۳ - ۶۴ به چاپ رسيده است. به همين نحو رساله «طريق الاستدلال على فروع الإمامية» که در نسخه در صفحات ۱۳۸ - ۱۵۶ نوشته شده است، در ويراست کعبي پيش انداخته شده، در صفحات ۸۴ - ۱۰۴ به طبع رسيده. در مقابل، مسأله مَعْنُون به «مسأله في الرؤية بالأبصار» که در صفحه ۴۵ نسخه آمده، در ويراست کعبي دچار تأخير شده، در صفحات ۱۱۱ - ۱۱۴ چاپ گرديده است. دليل اين تقديم و تأخيرها اين بوده که مصحح بنا داشته رسائل کتابت شده در اين نسخه را، بر حسب موضوع، در چهار زمينه فقه، اصول، کلام و ادبيات دسته بندي و منتشر کند. به همين جهت، برای طبقه بندي رساله ها در مقولات ياد شده، ناگزير به جابجايي پاره اي از آنها شده است.

مطلب آخرينکه کعبي در ويراست خود از رسائل شريف مرتضی، افزون بر نسخه کتابخانه امام اميرالمؤمنين نجف که آن را نسخه اساس تصحيح خود قرار داده است، از يک مجموعه خطي ديگر نيز برای مقابله با نسخه اصل بهره برده. اين مجموعه با شماره ۴۳۸ / کلام، در کتابخانه آيت الله حکيم نجف اشرف نگهداری می شود و حاوی دست نوشت هايي است متأخر از برخی رسائل علم الهدی به خط علامه شيخ محمد طاهر السماوی (۱۲۹۲ - ۱۳۷۰ ه.ق.).

### ۳. بررسي انتقادی ويراست کعبي از مسائل المرتضی

شوربختانه همان طور که مجموعه چهارجلدي موسوم به رسائل الشريف المرتضی به نحو نامناسب و غير عالمانه اي تصحيح و منتشر شده است، مسائل المرتضی نيز به همان وضع ناگوار - و شايد حتی از جهاتي با کيفيت نازل تري - به طبع رسيده است. در ادامه، به پاره اي از معايب و مشکلات اين ويراست اشاره می کنيم. ايرادات زير نشان می دهد که ويراست کعبي از رسائل و مسائل شريف مرتضی، طبع نامطبوع و نامقبولی از آنهاست که به هيچ روی قابل اعتماد و اعتدال و اعتناء نيست و در يک کلام، بکلی از حيز اعتبار و انتفاع ساقط است.

#### ۱-۳. ضبط هاي نادرست

مشکل اصلي کتاب مسائل المرتضی مغلوط و معيوب بودن شمار قابل توجهی از عبارات آن است. اين مشکل، به طور عمده در اثر خوانش نادرست مصحح از نسخه، و اختيار ضبط هاي نادرست پديد آمده است. اگرچه نسخه اساس مصحح در اين ويراست، در زمره اندک نسخه هاي خوانا و معتبر و به نسبت کم غلط از آثار شريف مرتضی به حساب می آيد، مصحح با سهل انگاری و نادانی خویش، ويراستي عيبناک

Mu'tazilism in Islam and Judaism, edited by: Camilla Adang, Sabine Schmidtke, David Eric Sklare, Ergon Verlag Würzburg in Kommission, Würzburg, 2007, pp. 101 - 125.

در اين خصوص همچنين نگاه کنيد به يادداشت زير از آقای دکتر حسن انصاری با عنوان «کتابی از قاضي عبدالجبار در ميان مسائل المرتضی» منتشر شده در:

<http://ansari.kateban.com/post/1570>.

از آن را ارائه کرده است. نمونه‌های این اغلاط، شوربختانه، پر شمار است و اگر بنا بر شمارش تمام آنها باشد، خود، احتمالاً به نوشتاری پر برگ بالغ می‌شود. در اینجا تنها تعدادی از آن ضبط‌های خطا، نمونه‌وار معرفی می‌شود. ابتدا ضبط نادرست به همراه نشانی آن در کتاب مسائل المرئضی ذکر می‌شود و سپس صورت صحیح آن کلمه درج می‌گردد:

ص ۲۲۱، س ۶: «مبعد من ممسخوطه» ← مَسْخُوطَه.

همان، س ۷: «تقتفی اعزازه» ← تَقْتَضِي.

همان، س ۹: «ان تافر» ← أَنْ يَتَأَخَّرَ.

ص ۲۲۲، س ۲: «عتلالکم» ← إِعْتِلَالُكُمْ.

همان، س ۱۱: «الاعزاز» ← فَالِإِعْزَازَ.

ص ۲۲۳، س ۴: «المعرض بالتكليف» ← العَرْض.

ص ۲۲۵، س ۳: «ولم تنج التقية» ← لَمْ تُنَجِّحْ.

همان، س ۴: «فما الأوان لكم» ← الأمان.

همان، س ۱۳: «هذا الأجماع الذي أثرنا إليه» ← هذا الإجماع الذي أشرنا إليه.

ص ۲۲۶، س ۸: «ذلك لحق» ← ذلك الحق.

ص ۲۲۶، س ۱۲: «والله تعالى يتصف للمظلوم في الآخرة» ← يتنصف.

ص ۲۲۸، س ۸: «كل منال» ← ضال.

ص ۲۲۹، س ۱۳: «في كل حق كائناً، كان» ← كائناً ما كان.

همان، س ۱۶: «والحق في كل ذلك قدرك لكل من طلبه» ← مُدْرِكٌ.

ص ۲۳۵، س ۸: «فيها فيه نص عنهم» ← فيما.

ص ۲۳۷، س ۱۴: «العذرية» ← العذر به.

ص ۲۳۸، س ۶: «استفتاء فصومكم» ← استغناء خصوصكم.

ص ۲۴۰، س ۱: «من جهة تخفية امته على نفسه، و يقتلونه ان أدى إليهم ما حمله» ← تُخِيفُهُ / يَقْتُلُونَهُ.

همان، س ۲: «ما يعرفهم عن قبيله» ← مَا يَصْرِفُهُمْ عَن قَبِيلِهِ.

ص ۲۴۲، س ۱: «وما معنى في آخر المسألة» ← مضى.

ص ۲۴۲، س ۲: «وضع اعدائه منه» ← منع.

ص ۲۴۴، س ۹: «حكيم لايسغه» ← لا يسفه.

همان، س ۱۳: «أن يكون يجي الرسل بالشرائع» ← مجيء.

ص ۲۴۶، س آخر: «لأنهم ان لم يخرجوا مع هذا اخرجوا مع غيره» ← خَرَجُوا.

ص ۲۴۷، س ۳: «يجب على الله صنعته من المعصية» ← منعه.

ص ۲۴۸، س ۱: «مع فقده أو منعه يده» ← ضعف.

همان، س ۲ - ۳: «قد كان ينبغي لمن أراد أن يطعن في وجوب جهته الإمامة» ← جهة.

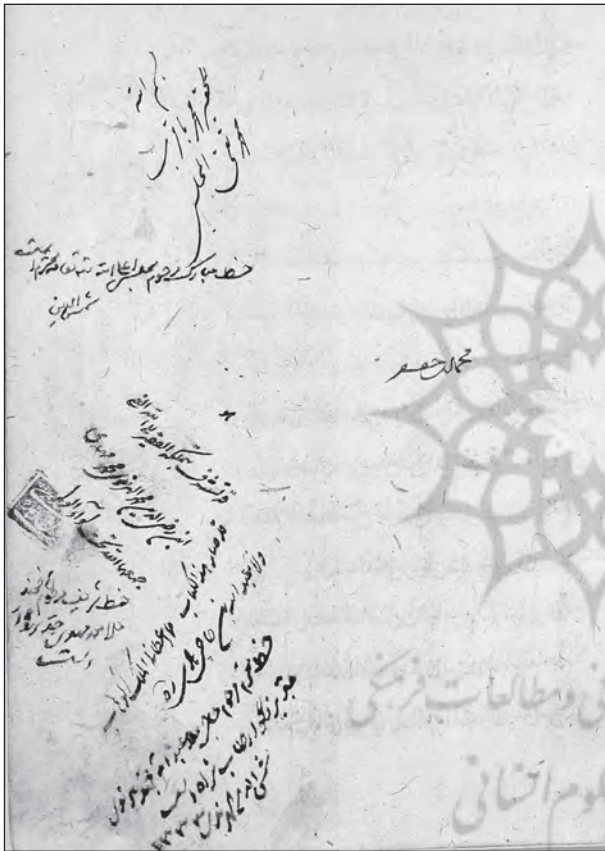
همان، س ۱۵ - ۱۶: «ولما جاز في الأمر من عداه ان يكون غير معصوم» ← الأمير.

ص ۲۴۹، س ۳: «أن انفراد الرسول لعلة تقتفي عصمته» ← بِعِلَّةٍ تَقْتَضِي.

شوربختانه همان طور که  
مجموعه چهار جلدی  
موسوم به رسائل الشریف  
المرئضی به نحو نامناسب  
و غیر عالمانه‌ای تصحیح و  
منتشر شده است، مسائل  
المرئضی نیز به همان وضع  
ناگوار - و شاید حتی از  
جهاتی با کیفیت نازل‌تری  
- به طبع رسیده است.



- همان، س ۵: «لأنه غير ممتنع فرضاً وتقديراً أن يكون في عصمته الإمام» ← عصمة.  
 همان، س ۱۶: «أن الإمام لو لم يكن معصوماً لا ينعي للدين وأهله الغوائل» ← لا بتغي.  
 همان، س ۱۸: «و يلزم المعول المعقول على ذلك عصمة الأمراء» ← يلزَمُ المَعْوَلُ على.  
 ص ۲۵۴، س ۳: «عصيان القوم الدين جحد والنص» ← الذين جحدوا النص.  
 ص ۲۵۵، س ۸: «مراد الناهي» ← الناص.  
 همان، س ۱۵: «بعداً ازیداً على بعده» ← زیداً.  
 ص ۲۵۶، س ۱۰: «أبانها بالسيرة» ← بالسیر.  
 ص ۲۵۷، س ۲: «فيما عدوه من الاتفاق وتدينا و عارضوا بالنص» ← فيما عدده من الإنفاق بدينا، و عَصُوا في النَّصِّ.



- ص ۲۵۸، س ۸: «التائي عن النبي» ← التأي.  
 ص ۲۶۰، س ۱۴: «تأكيد ذلك بما أكد به» ← تأكيد / أكد.  
 ص ۲۶۴، س ۵: «الأنه» ← لأنه.  
 همان، س ۶: «مجدد النص» ← جحد.  
 همان، س ۱۵: «تحمل معصيته ادم» ← معصية.  
 ص ۲۶۵، س ۵: «والذي معنى في خلال المسألة» ← مضى.  
 همان، س ۷: «ما أظهر بنصيب دليل عليه» ← بنصب.  
 ص ۲۶۷، س آخر: «البسطه» ← لبسطه.  
 ص ۲۶۸، س ۴: «بعبادة العجل» ← بعبادة.  
 ص ۲۶۹، س ۲: «لا ينجح فيه وعظ» ← لا ينجح.  
 همان، س ۱۳: «فكان ذلك متمماً لعذره» ← مقيماً.  
 ص ۲۷۰، س ۱: «على مقتضى قولكم» ← مقتضى.  
 ص ۲۷۱، س ۱: «أشغف من ارتداد» ← أشفق من ارتداد.  
 ص ۲۷۳، س ۴: «انه كلامهم» ← أن كلاً منهم.  
 همان، س ۷: «ثم نزع يتأوله» ← تبزغ يتأوله.  
 همان، س ۱۲: «قوة البواحث عليها» ← البواحث.  
 ص ۲۷۵، س ۱۵: «فذهب الصرفة» ← فمذهب.  
 ص ۲۷۶، س ۵: «فيما عداهم به» ← تحداهم.  
 ص ۲۷۸، س ۲: «الكتاب الذي رسمه» ← وسمه.  
 ص ۲۷۹، س ۱۰: «دورة» ← دودة.  
 ص ۲۸۰، س ۳: «عولنا على أنه الحق بها، وليس فيها وأضيف إليها» ← دُلس.  
 ص ۲۸۱، س ۴: «صار كلباً يمصغ بذنبه» ← يمصغ.  
 ص ۲۸۱، س ۸: «دعالي الرأي لسيدنا الشريف» ← و عالي.  
 ص ۲۸۲، س ۵ - ۶: «أنا حكمننا بنجاستهم، و خيبتهم منزلتهم، و إيضاع أقدارهم» ← خسة / اتضاع.

- همان، س ۷: «لما يقول» ← کما.
- ص ۲۸۴، س ۴: «لانه یغتنم بذلك و يتأسف» ← یغتم.
- ص ۱۴۵، س ۱۴: «أین مستقرالعقل فیها» ← منها.
- همان، س آخر: «قول الحاج الحجر» ← للحجر.
- ص ۱۴۶، س ۵: «الذی یعینه هو» ← بعینه.
- ص ۱۴۹، س ۱۵: «یوصف ذلک مجازو اتساعاً» ← بذلک مجازاً.
- ص ۱۵۱، س ۸: «لیس بعافل» ← بعامل.
- ص ۲۱۰، س ۱۱: «یوجب له مالاً» ← حالاً.
- ص ۱۲۰، س ۱۱: «إذا فعل تعریفاً للرفع» ← تعریضاً.

در اینجا، به همین رقم هفتاد، که نشانه تکثیر است، در ذکر اغلاط اکتفا می‌کنیم؛ اما خوانندگان ارجمند می‌توانند این «مشت» از اغلاط کتاب را «نمونه خوار» آنها لحاظ کنند و خود، به حال و وضع کتاب پی ببرند.

### ۳-۲. اغلاط حروف نگاشتی

یکی دیگر از اشکالات اساسی طبع کعبی از رسائل شریف مرتضی اغلاط حروف نگاشتی راه یافته در متن آن است. شمار این اغلاط نیز بسیار است و در اینجا تنها به تعداد اندکی از آنها نمونه وار اشاره می‌کنیم:

ردیف	نشانی	ضبط موجود در ویراست کعبی	صورت صحیح
۱	ص ۱۸۴، س ۷	غرض	عرض
۲	ص ۱۸۶، س ۳	ول	دل
۳	ص ۲۲۹، س ۱۵	متقابلة	متقابلة
۴	ص ۲۴۰، س ۱۱	فوفه	فوفه
۵	ص ۲۴۰، س ۱۶	مته	أمته
۶	ص ۲۴۳، س ۱۲	متدوحة	مندوحة
۷	ص ۲۲۸، س ۷	افلابد	فلاَّبَد
۸	ص ۲۳۷، س ۷	قیل	قبل
۹	ص ۲۴۲، س ۳	أطيق	أطبق
۱۰	ص ۲۵۱، س ۱	ظاهرة	ظاهرة
۱۱	همان، س ۲	متهم	منهم
۱۲	ص ۲۵۲، س ۲	متضمنه	متضمنة
۱۳	ص ۲۵۳، س آخر	ها هتا	هاهنا
۱۴	ص ۲۵۶، س آخر	أخیر	أخبر
۱۵	ص ۲۶۰، س ۱۵	الان	لأن
۱۶	ص ۲۶۲، س ۱۰	مستقبله	مستقبلة
۱۷	ص ۲۶۳، س ۱۵	مالذي	ما الذي
۱۸	ص ۲۶۴، س ۷	أوقر	أوفر
۱۹	همان، س ۱۱	بخفه	بخلافه



ردیف	نشانی	ضبط موجود در ویراست کعبی	صورت صحیح
۲۰	همان، س ۱۹	معصیه	معصية
۲۱	ص ۲۷۵، س ۴	الصرفه	الصرفة
۲۲	ص ۲۷۵، س آخر	مذهب کم	مذهبکم
۲۳	ص ۲۸۳، س ۵	التبیه	البنية
۲۴	ص ۲۸۵، س آخر	یغرق	یفرق
۲۵	ص ۲۸۶، س ۲	موادها	مرادها
۲۶	ص ۱۱۲، س ۲	کالادارات	کالارادات
۲۷	ص ۲۱۸، س ۴	مسائل	سائل
۲۸	همان، س ۶	التایید	التأييد
۲۹	ص ۲۱۹، س ۱۰	اتناوله	تناوله
۳۰	ص ۱۲۰، س ۱۲	تعریفاً	تعريضاً

### ۳-۳. افتادگی های خرد و کلان

یکی از مشکلات طبع کعبی از رسائل شریف مرتضی، حدوث سقطها یا افتادگی های خرد و کلان در آن است. فقط در یک نمونه، که حقیقتاً شگفت آور است، نزدیک به «دو صفحه» از عبارات شریف مرتضی در یک مسأله افتاده است با اینکه مطالب حذف شده، هم در نسخه اساس مورد رجوع کعبی به وضوح وجود دارد و هم در دو طبع پیشین آن مسأله. در صفحه ۱۸۴ که مسأله ای با عنوان اصلی ساختگی «مسأله حدوث الجسم والجوهرو العرض» و زیرعنوان «مسأله في الاعتراض على من يثبت حدوث الأجسام من الجواهر» آمده است، مطالب سید مرتضی تا میانه درج شده و با عبارت «وقد بينا هذه الطريقة في مواضع من كتبنا؛ لا سيما في الكتاب الملخص في الأصول» خاتمه یافته است.<sup>۴</sup> این در حالی است که - چنان که گفتیم - هم در نسخه اساس مصحح<sup>۵</sup> و هم در دو چاپ سابق این مسأله در رسائل الشریف المرتضی و امالی<sup>۶</sup>، کلام سید بدینجا انجام نیافته است، بلکه تا دو صفحه بعد نیز ادامه دارد. به بیان دقیق تر، از عبارت: «على أنا نقول لمن أثبت الهيولى و ادعى أنه أصل العالم، وأن الأجسام والجواهر منها أحدثت» تا جمله پایانی سید در این مسأله، یعنی «والقول في الأعراض كالقول في الجواهر في هذه القضية، و يجب أن يكون للجميع هيولى؛ لأن الطريقة واحدة؛ و كلام هؤلاء أبداً غير محصل ولا مفهوم، و هم يدعون التحقيق والتحديد، و ما بعدهم من ذلك!»، که بالغ بر دو صفحه می شود، همگی در ویراست کعبی افتاده است!

افزون بر این، برخی از افتادگی های جزئی مشهود در ویراست کعبی به قرار زیر است:

ص ۲۵، س آخر: «لا يجوز العدول» ← لا يجوز العدول عنه.

ص ۲۲۸، س ۱۱: «أنكم تقدرون على إجابة هذا السؤال المسترشد على النص و عن الإمام فيه و لا مخالف فيها» ← عن النص و عن الإمام بِصَحِّحِ فيه.

۴. مسائل المرتضی، ص ۱۸۶.

۵. نسخه مکتبه الإمام أميرالمؤمنين العامة نجف، ش ۱۳/۷، ص ۱۱۰-۱۱۲.

۶. رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۳۳۳-۳۳۴.

۷. الموسوی الشریف المرتضی، علی بن الحسین، امالی المرتضی (غرر الفوائد و درر القلائد)، تحقیق: محمّد أبو الفضل إبراهيم، دارالفکر العربی، قاهرة، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۴۶.

ص ۲۴۸، س ۱۱-۱۲: «والفرق بین الامام و خلفائه من أمير و غيره في وجوب العصمة إنما أوجبنا عصمة الامام ...» ← العصمة انا ائمة.

ص ۲۶۹، س ۱۶: «والخلاف في هذا وان لم يزد على الخلاف في جحد النص فيما عنه بل الاولى به» ← فما يقصر عنه.

ص ۱۴۵، س ۶: «وهذه الأرواح فارتق الابدان هل تحس أم لا» ← الأرواح إذا فارتق.

### ۳-۴. افزودن عناوین متعدد در داخل متن

یکی دیگر از مشکلات ویراست کعبی از مجموعه رسائل شریف مرئضى عبارت است از درج عناوین در داخل متن بی آنکه با گذاردن آنها در گروه از کلام نویسنده متمایز شده باشند. طبق قوانین مرسوم در فن تصحیح متون، هرگونه اضافه‌ای بر متن که از سوی شخص مصحح در اثر صورت بگیرد، باید برای تمایز آن افزوده از سخن نویسنده، در گروه نهاده شود. متأسفانه مصحح بدین نکته توجه نکرده، هم در آغاز هر مسأله و هم در میان متن، عناوینی را از جانب خود بدان افزوده، بدون آنکه آنها را در گروه قرار داده باشد یا لاقلاً در پاورقی متذکر شده باشد که این عناوین افزوده اوست نه نویسنده (تنها در آخر فصلی که به عنوان فصل سوم در صفحات پایانی کتاب آمده است، نویسنده تذکر داده که «مسائل و عناوین مسائل» اضافه اوست).<sup>۸</sup> در نتیجه، هم اکنون خواننده

گمان می‌کند که عناوین - گاه حتی نادرست - مندرج در کتاب همگی از سوی شریف مرئضى است و حال آنکه در واقع، اضافاتی هستند از ناحیه مصحح اثر. نمونه‌هایی از این عناوین در بسیاری از صفحات کتاب قابل مشاهده است.

### ۳-۵. عبارات زائد

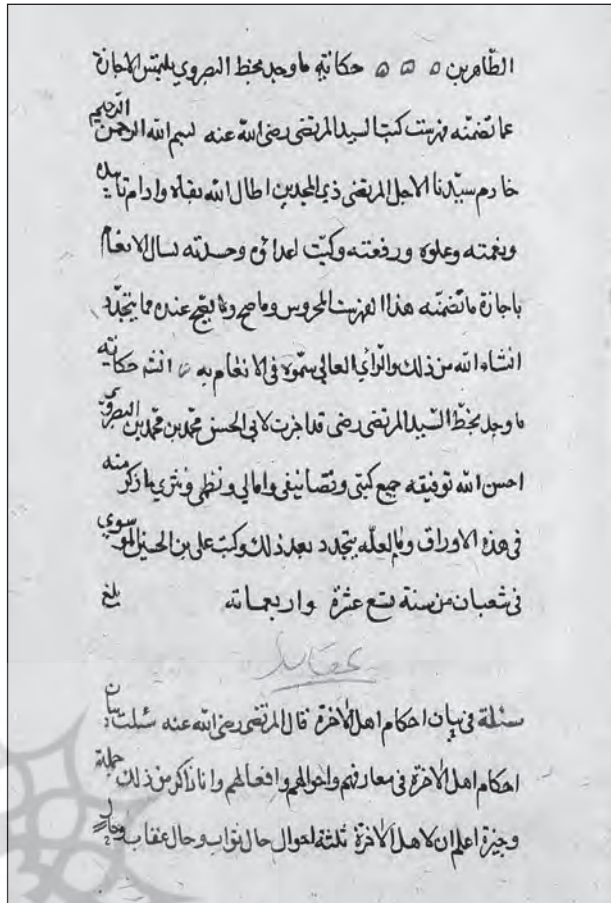
مشکل دیگری که گاه در ویراست مورد گفت‌وگو مشاهده می‌شود، وجود عبارات تکراری و زائد در بخش‌هایی از آن است. دو نمونه از این عبارات تکراری در زیر بیان می‌شود:

الف) ص ۲۲۹-۲۳۰: «وقد بینا في كتابنا «الشافعي» أن هذا القول لا يوجب الاستغناء عن الإمام في الأحكام الشرعية المنقولة، إذا يجوز أن يعرض ناقلوها أو أكثرهم الأحكام الشرعية المنقولة، إذا يجوز أن يعرض ناقلوها أو أكثرهم عن نقلها، اما اعتمادا أو شبهة، فيكون الحجة حينئذ في بيان الامام لذلك الحكم».

در قسمت یادشده، عبارت «الأحكام الشرعية المنقولة، إذا يجوز أن يعرض ناقلوها أو أكثرهم» زائد است.

ب) ص ۲۲۲، س ۹-۱۱: «فأما الزامنا على علتنا في الحاجة اليه وجوب إعزازه و كف أيدي الظلمة عنه ليظهر ويقع الانتفاع به، والإعزاز و كف أيدي الظلمة عنه يقع الانتفاع به، والإعزاز و كف أيدي الظلمة عنه على ضربين».

در عبارات فوق، بخش «و الإعزاز و كف أيدي الظلمة عنه ليظهر ويقع الانتفاع به» زائد است و نمی‌بایست در متن درج می‌شد.



۸. مسائل المرئضى، ص ۳۷۲.

### ۳-۶. عدم اشاره به ویراست های قبلی مسائل و رسائل

برخی از مسأله هایی که در نسخه اساس تصحیح کعبی کتابت شده است و وی به چاپ آنها اقدام نموده، پیش از این، در مواضع دیگری به چاپ رسیده بوده و طبعاً مصحح وظیفه داشته به عنوان پیشینه تصحیح آن مسائل، به ویراست های قبلی آنها اشاره کند. اما مصحح در موارد بسیاری، از ذکر ویراست های پیشین مسائل غفلت کرده است. برای نمونه در صفحه ۱۸۴ مطلبی با عنوان «مسألة في الاعتراض علی من یثبت حدوث الأجسام من الجواهر» آمده است که همین مسأله پیش تر در رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۳۳۱-۳۳۴ و نیز آمالی، ج ۲، ص ۳۴۴-۳۴۷ به چاپ رسیده، ولی مصحح بدان ها اشاره ای نکرده است و هیچ ارجاعی نداده! تنها، از نسخه بدل هایی که در آنها ذکری از آمالی شده است خواننده می تواند بفهمد که این متن پیشتر در آن کتاب هم آمده است.

### ۳-۷. تقطیع های نادرست

اشکالات ویرایشی ویراست فراهم آمده بردست کعبی چندان پر شمار است که بهتر، صرف نظر کردن از ذکر آنهاست. با این وصف، یک اشکال بنیادین که از این حیث در کار او دیده می شود و اصلاً قابل اغماض نیست، تقطیع ها یا بند بندی های نادرست او از متن کتاب است. در مواضع متعددی، در اثر عدم درک صحیح مصحح از کلام شریف مرتضی یا شاید هم به دلیل دیگری، عبارات متن دچار تقطیع های نادرست شده است که این امر موجب سردرگمی، و گاه، گمراهی خواننده می شود. در زیر، چند نمونه از این تقطیع های غلط بازگو می شود:

۱. ص ۲۴۴، بند ۲ و ۳: «لان من یجوز ذلك علیه یجوز منه تصدیق الکاذب».

و تکذیب الصادق، جهلاً بقبح ذلك أو حاجة الی فعله.

عبارت «و تکذیب الصادق» مربوط به جمله قبل است و می بایست در ادامه همان ذکر می شد. قرارداد آن در ابتدای جمله بعد کاملاً غلط و بی وجه است.

۲. ص ۲۰۸، بند ۱ و ۲: «مسألة: قال (رضي الله عنه) تصفحت الأوراق التي عملها، أبو رشيد سعيد بن محمد».

في ذكر أنواع الأعراض وأقسامها وفنون أحكامها، فوجدته قد أخل بأقسام كان يجب أن يذكرها، كما ذكر ما يجري مجراها.

روشن است که در قسمت یاد شده، عبارت «في ذكر أنواع الأعراض... متعلق به فعل «عملها» است و می بایست در ادامه همان جمله درج می شد نه اینکه بی دلیل در آغاز بند دیگری آورده شود. درج نقطه پس از «سعيد بن محمد» هم آشکارا نادرست است.

۳. ص ۲۵۷، بند ۲ و ۳: «و العقول دالة علی ان اتباعه في الخروج عن وطنه وأوطانهم».

قد یمکن أن یکون لمعنی دنیوی.

فعل «قد یمکن» خبر «أن» است و قاعدتاً باید در ادامه همان ذکر می شد؛ در حالی که مصحح به خطا، آن را در ابتدای بند بعد آورده است.

۴. ص ۲۶۴، بند ۱ و ۲: «لانه ظن أن».

النهي يتناول عين الشجرة.

نگرشی بر نگارش‌های کلامی (۹): مسائل المرئضی و مشکلات آن: نقی‌پور، بررسی‌دکترا

در اینجا هم «أن» در یک بند آمده و اسم و خبر آن، که می‌بایست بلافاصله در دنباله آن می‌آمد، به بند بعدی منتقل شده است!

۵. «فمن أين لكم أن أمير المؤمنين عليه السلام كان غير».

خائف من ذكره ذلك؟.

نیاز به توضیح ندارد که درج نقطه پس از کلمه «غیر» و آوردن مضاف الیه آن، یعنی «خائف»، در بند پس از آن، نادرست و غیر قابل توجیه است.

#### ۴. کلام آخر

نابسامانی‌ها و ناراستی‌های ویراست کعبی از مسائل المرئضی بس بیش از آن چیزی است که بیان شد. محققانی که با آثار سید مرتضی سروکار دارند حتماً باید مراقب باشند که در پژوهش‌های خود اصلاً بدین ویراست تکیه نکنند و شاید حتی اگر رجوع هم نکنند اولی باشد، تا مبادا ویراست نادرست این کتاب موجب گمراهی آنها در طریق تحقیق شود.

هر بار که به این کتاب رجوع می‌کنم و تصحیح سراسر سطحی و شتابزده کعبی را از رسائل سید مشاهده می‌کنم ناخودآگاه به یاد این عبارات روانشاد علامه قزوینی می‌افتم که زمانی در حق برتلز مستشرق روسی گفته بود: «این شخص فوق العاده و هر چه بیشتر از آن تصور شود، باز بیشتر از آن بی سواد است... من هیچ کس را در عمرم به این بی سوادی و قلت اطلاع و سطحی سطحی صرف بحث بسیط ندیده بودم. گمان می‌کنم هرگز نخواهم دید»<sup>۹</sup>.

امیدوارم نگاه‌های پراج شریف مرتضی هر چه زودتر این بخت و اقبال نیک را پیدا کند که بردست مصححانی خیره و خبیرو دقیق از نوتصحیح و منتشر شود، ایدون باد!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۹. نامه‌های پاریس از محمد قزوینی به سید حسن نقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۲۰.